



Volume 4, Issue 4, 2024

Government Requirements Regarding the Minimum Age of Criminal Responsibility of a Child from the Point of View of International and Regional Documents

Arsalan Koosha*¹

1. Instructor, Department of Law, Noorabad Mamsani Branch, Islamic Azad University, Noorabad Mamsani, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 229-241

Corresponding Author's Info

ORCID: 0009-0005-6304-3192

TELL: +987142532944

Email: arsalan.koosha@gmail.com

Article history:

Received: 20 Aug 2024

Revised: 25 Oct 2024

Accepted: 22 Nov 2024

Published online: 21 Dec 2024

Keywords:

Government, Child, Age, Criminal Responsibility, International Documents.

ABSTRACT

The minimum age of criminal responsibility of a child is one of the important issues and the subject of controversy. This has made the examination of the minimum age of criminal responsibility of a child a necessity from the point of view of international documents. Based on this, the aim of this article is to examine the requirements of governments regarding the minimum age of criminal responsibility for children. This is a descriptive analytical article and a library method has been used to investigate the mentioned topic. The findings indicate that over several decades, a series of international law documents have examined the discussion of the minimum age of criminal responsibility and its consequences in regional and international contexts. In documents related binding and consultative texts, legal requirements for the minimum age of criminal responsibility have been emphasized. Minimum age of criminal responsibility the details of the minimum age of criminal responsibility and its implementation clearly stem from the work of the Committee on the Rights of the Child. In fact, the Committee elaborated on the minimum age of criminal responsibility and gained more authority as the body overseeing the most extensive binding legal instrument related to children. As a result, the recommendations of the Committee on the Rights of the Child have been approved to a large extent and over time by other documents and institutions and suggest a general convergence in international standards for determining the minimum age of criminal responsibility in different countries and their implementation.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2024 The Authors.

How to Cite This Article: Koosha, A (2024). "Government Requirements Regarding the Minimum Age of Criminal Responsibility of a Child from the Point of View of International and Regional Documents". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 4(4): 229-241.



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران

فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

دوره چهارم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۳

الزامات دولتها درخصوص حداقل سن مسؤولیت کیفری کودک از منظر اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای

ارسلان کوشا*

۱. مربی، گروه حقوق، واحد نورآباد ممسنی، دانشگاه آزاد اسلامی، نورآباد ممسنی، ایران.

چکیده

حداقل سن مسؤولیت کیفری کودک از موضوعات مهم و محل بحث و اختلاف نظر است. همین امر بررسی حداقل سن مسؤولیت کیفری کودک را از منظر اسناد بین‌المللی به یک ضرورت مبدل ساخته است. بر همین اساس هدف مقاله حاضر بررسی الزامات دولتها درخصوص حداقل سن مسؤولیت کیفری کودک است. این مقاله توصیفی - تحلیلی است و از روش کتابخانه‌ای برای بررسی موضوع مورد اشاره استفاده شده است. یافته‌ها بر این امر دلالت دارد که در طول چندین دهه، مجموعه‌ای از اسناد حقوق بین‌الملل، بحث حداقل سن مسؤولیت کیفری و پیامدهای آن را در بسترهای منطقه‌ای و بین‌المللی مورد بررسی قرار داده‌اند. در اسناد مرتبط با حقوق بشر و قوانین بشردوستانه، در تاریخچه تهیه پیش‌نویس اسناد و متن نهایی آن‌ها در متون الزام‌آور و مشاوره‌ای بین‌المللی، الزامات قانونی برای حداقل سن مسؤولیت کیفری مورد توجه و تأکید قرار گرفته است. حداقل سن مسؤولیت کیفری با جزئیات حداقل سن مسؤولیت کیفری و اجرای آن به وضوح از کار کمیته حقوق کودک نشأت می‌گیرد. درحقیقت، کمیته، حداقل سن مسؤولیت کیفری را به‌صورت مشروح مورد بررسی قرار داد و به‌عنوان نهاد نظارت‌کننده بر گسترده‌ترین سند قانونی الزام‌آور مرتبط با کودکان، صلاحیت بیشتری به‌دست آورد. نتیجه این که توصیه‌های کمیته حقوق کودک تا حد زیادی و در طول زمان توسط سایر اسناد و نهادها مورد تأیید قرار گرفته‌اند و یک همگرایی کلی در استانداردهای بین‌المللی برای تعیین حداقل سن مسؤولیت کیفری در کشورهای مختلف و اجرای آن‌ها را پیشنهاد می‌کنند.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۲۲۹-۲۴۱

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارایه: ۳۱۹۲-۳۰۴-۶۳۰۵-۰۰۰۹-۰۰۰۹

تلفن: +۹۸۷۱۴۲۵۳۲۹۴۴

ایمیل: arsalan.koosha@gmail.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۳۰

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۳/۰۸/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۰۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۰۱

واژگان کلیدی:

دولت، کودک، سن، مسؤولیت کیفری، اسناد بین‌المللی.



مقدمه

مهم‌ترین عاملی که جرایم اطفال و نوجوانان را از بزهکاری بزرگسالان جدا می‌کند، عامل سن است. بعد از دوران طفولیت و قبل از شروع سن کبر قانونی، دوره‌ای وجود دارد که بسیار مشکل است و تاکنون موضوع مباحث و اختلاف نظرهای عیدیه‌ای در حقوق جزا بوده است. به همین لحاظ قانون‌گذاران مختلف، سن کبر قانونی و مسؤولیت جزایی را به طرق متفاوتی تعیین کرده‌اند. در ساختارهای عدالت کیفری باید قدر مسلمی از مرز کودکی و بزرگسالی داشته باشیم، در عین حال، شرایط و ویژگی‌ها و مشخصات فردی در زمانی که کودک با ساختار عدالت کیفری روبه‌رو می‌شود، در میزان مسؤولیت با اهمیت است، همچنان‌که در میزان درک ماهیت عمل مجرمانه تفاوت خواهند بود. آیا علائم ظاهری بلوغ نشانه رشد عقلی است؟ مسأله مورد بحث این است که دولت‌ها در تعیین حداقل سن مسؤولیت کیفری کودکان چه مسؤولیتی دارند؟ بدیهی است که مسیر رشد انسان از تولد تا ۱۸ سالگی را دوران کودکی تشکیل می‌دهد. دوره کودکی مهم‌ترین زمان رشد انسان است. هر اتفاقی ممکن است بر رشد و توانایی فکری و ذهنی کودک تأثیر داشته باشد. همه این اتفاقات رشد جزایی و ماهیت جرایم را برای نوجوانان متفاوت می‌سازد. شرط قضاوت عادلانه و منصفانه درباره کودکان معارض قانون، تشخیص میزان دقیق مسؤولیت آن‌ها بر مبنای اندازه‌گیری میزان رشد جزایی آن‌ها می‌باشد. بدون توجه به فاکتورهایی نظیر رشد مغزی، ظرفیت و توانایی فردی و تجربه‌های دوران کودکی می‌توانند بر توانایی تحمل شرایط مسؤولیت کیفری که سیستم عدالت کیفری تعیین می‌کند، تأثیر مستقیم داشته باشد. عادلانه و منصفانه بودن رفتار این سیستم بدون مطالعه رشد جزایی برای افراد کمتر از ۱۸ سال ممکن نخواهد بود. سن مسؤولیت کیفری مربوط به حداقل و پایین‌ترین سنی است که کودک در آن مسؤول شناخته می‌شود و ممکن است با مجازات روبه‌رو گردد. همین امر بحث سن مسؤولیت کیفری کودکان را به موضوع مهم مبدل ساخته است که لازم است از منظر اسناد بین‌الملل بررسی شود. درخصوص سن مسؤولیت کیفری اطفال در حقوق ایران و اسناد بین‌المللی، پژوهش‌های متعددی انجام شده است: کیومرث کلانتری، صالح غفاری چراتی و امین رادمان، در

مقاله‌ای به بررسی فقهی - حقوقی سن مسؤولیت کیفری اطفال با تأملی در اسناد بین‌المللی پرداخته‌اند (کلانتری و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۸۲-۱۶۱). همچنین سپیده سفیدی، مهدی جوهری و سعید دهقان، در مقاله‌ای، تساوی سن بلوغ کیفری میان دختر و پسر و چالش‌های مسؤولیت کیفری اطفال را با نگرشی بر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و اسناد بین‌المللی مورد بررسی قرار داده‌اند (سفیدی و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۹-۱۹). سیدحسین هاشمی نیز در مقاله‌ای به بررسی فقهی حقوقی رویکرد قانون مجازات اسلامی جدید به سن رشد و مسؤولیت کیفری کودکان در پرتو اسناد بین‌المللی پرداخته است (هاشمی، ۱۳۹۴: ۷۴-۵۱). تمایز و نوآوری مقاله حاضر نسبت به پژوهش‌های انجام‌شده این است که در این مقاله، الزامات دولت‌ها درخصوص حداقل سن مسؤولیت کیفری کودک از منظر اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای بررسی می‌شود. براساس آن چه گفته شد، سؤال مقاله بدین شکل قابل طرح است که الزامات دولت‌ها درخصوص حداقل سن مسؤولیت کیفری کودک از منظر اسناد بین‌المللی چیست؟ فرضیه مقاله عبارت است از این که «اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای دولت‌ها را درخصوص حداقل سن مسؤولیت کیفری کودک در راستای رعایت موازین حقوق بشری به استانداردهای تعریف‌شده این اسناد متمایل و متعهد می‌سازند.» به‌منظور بررسی سؤال مورد اشاره به بررسی رویکرد اسناد بین‌المللی در این خصوص پرداخته شده است.

۱- الزامات دولت‌ها درخصوص حداقل سن مسؤولیت کیفری کودک از منظر اسناد بین‌المللی

در این قسمت به بررسی الزامات دولت‌ها درخصوص حداقل سن مسؤولیت کیفری کودک از منظر اسناد عام بین‌المللی پرداخته می‌شود.

۱-۱- میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶
میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، یکی از معاهدات اصلی با موضوع حقوق بشر است. این میثاق تقریباً توسط کل کشورهای جهان پذیرفته شده، اما همانند کنوانسیون حقوق کودک به تصویب ایالات متحده و سومالی نرسیده است، درحالی‌که میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در مورد کودکان و بزرگسالان اعمال می‌شود، این میثاق اولین معاهده

وجود دارد و در مقاطع مختلف در این تحقیق مورد بررسی دقیق قرار گرفته است. به صورت خلاصه، این دکترین مشتمل بر یک فرض قانونی است که براساس آن کودکان بین حداقل سن مسئولیت کیفری و محدوده سنی بالاتر از آن قادر به تحمل مسئولیت کیفری نیستند (Don, 2023: 146).

۱-۲- میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۹۶۶

میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که در سال ۱۹۶۶ تصویب گردید، به صراحت به دغدغه‌های عدالت اطفال نمی‌پردازد، اما نهاد نظارتی آن یا همان کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بر این باور است که ماده ۱۰ این میثاق دارای پیامدهای مهمی برای حداقل سن مسئولیت کیفری است. بر این اساس، مشخص نمودن سنین ۷ و ۹ سال به عنوان حداقل سن مسئولیت کیفری بسیار نامناسب ارزیابی شده و به صراحت از کشورهای عضو درخواست شده تا این سنین را براساس الزامات ماده ۱۰ از این میثاق افزایش دهند.

۱-۳- پروتکل یک الحاقی به کنوانسیون ژنو ۱۲ آگوست ۱۹۴۹

در مورد پروتکل یک الحاقی به کنوانسیون ژنو در سال ۱۹۷۷ (در ارتباط با حفاظت از قربانیان درگیری‌های مسلحانه) الزام دولت‌ها به تعیین حداقل سن مسئولیت کیفری نه از متن پروتکل، چراکه فاقد هیچ گونه ارجاعی به حداقل سن مسئولیت کیفری است، بلکه حاصل بحث‌هایی گسترده‌ای است که در خلال تهیه پیش‌نویس این پروتکل در جریان بود. در جریان دهه‌های بعد از جنگ جهانی دوم، حمایت بین‌المللی برای توسعه بیشتر حقوق بشردوستانه و به‌ویژه به‌روزرسانی کنوانسیون ژنو ۱۹۴۹ افزایش یافت. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ متن پیش‌نویس اولیه دو پروتکل الحاقی به کنوانسیون ژنو ۱۹۴۹ را آماده نمود که در سال ۱۹۷۳ بین همه دولت‌ها توزیع شد. دولت سوئیس با تشکیل کنفرانس‌های دیپلماتیک در فاصله سال‌های ۱۹۷۴-۱۹۷۷ از همه کشورهای عضو کنوانسیون ژنو و همه اعضای ملل متحد برای شرکت در این جلسات دعوت نمود. آنچه که در پیش‌نویس پروتکل الحاقی صلیب سرخ جالب توجه بود، ماده (۳) ۶۳ با موضوع ممنوعیت

بین‌المللی حقوق بشر است که به صراحت کشورهای عضو را ملزم به ایجاد رویه‌ها و شیوه‌های برخورد خاص با کودکان در امور کیفری نموده است، هرچند که معاهده مذکور تعریف مشخصی از «شخص نوجوان» ارائه نداده است، ماده (۴) ۱۴ به صراحت از این ترکیب برای اشاره به سال‌هایی بین حداقل سن مسئولیت کیفری و حداقل سن بلوغ کیفری استفاده نموده است. این مسأله مستلزم آن است که محدودیت سنی پایین تری برای نوجوانان وجود داشته باشد و صاحب‌نظران به این مسأله اشاره نموده‌اند که شروط میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی موید موارد ذیل هستند: ۱- هر کشور عضو ملزم است تا حداقل سن مسئولیت کیفری را تعیین نماید؛ ۲- هر کشور می‌تواند سن خاص خود را انتخاب نماید مشروط بر آن که طیف سنی مشخص شده در چهارچوب کلی هنجارهای شناخته شده بین‌المللی قرار گیرد؛ ۳- هر کشور عضو باید حداقل سن مسئولیت کیفری خود را به صورت یکسان برای دخترها و پسرها اعمال نماید.

کمیته حقوق بشر به عنوان نهاد نظارتی میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مدت‌های مدیدی است که مفاد این پیمان را بر این منوال تفسیر نموده است. کمیته حقوق بشر در ضمن بیان دیدگاه کلی خود در مورد اجرای ماده ۱۴، اذعان نموده که از میان گزارش‌های ارائه شده تنها گزارش‌های کشورهای معدودی حاوی اطلاعات کافی در مورد حداقل سن مسئولیت کیفری بوده‌اند و توضیحاتی در مورد ادغام و بازپروری نوجوانان به موجب ماده (۴) ۱۴ ارائه نموده‌اند. همچنین کمیته مذکور مفاد قانونی مرتبط به حداقل سن مسئولیت کیفری را در برخی کشورهای عضو بررسی و مورد انتقاد قرار داده است. به صورت خلاصه، به زعم کمیته تعیین سنین ۷، ۸ و ۱۰ سال به عنوان حداقل سن مسئولیت کیفری به صورت غیرقابل قبولی پایین و برخلاف استانداردهای بین‌المللی و به‌ویژه ناقض موادی از میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی است و باید افزایش داده شود (Sharon, 2020: 216).

کمیته مذکور شروط قانونی مرتبط با حداقل سن مسئولیت کیفری را باتوجه به میزان سن و همچنین دکتین اماره عدم رشد مورد بررسی قرار داده است که در تعداد زیادی از کشورها

رویکردی بود که حتی الامکان تمامی قوانین کشورهای عضو را دربر داشته باشد.

نماینده کانادا، ضمن رد پیشنهاد برزیل برای انجام اصلاحات نظر خود را به شرح ذیل بیان نمود:

تعیین سن مسئولیت کیفری یک مسئولیت ملی است که هر دولت باتوجه به فرهنگ خاص، وضعیت توسعه و الزامات خود آن را اعمال نموده است. تلاش برای تدوین ماده‌ای در پروتکل که به اعمال این حق حاکمیتی آسیب می‌رساند، برای بسیاری از کشورها به‌عنوان یک مداخله غیرقانونی غیرقابل قبول است.

حداقل سن مسئولیت کیفری تا سال ۱۹۸۴ در کانادا ۷ سال باقی ماند و شاید این مسأله بر دیدگاه نماینده کانادا در مورد حقوق دستگاه حاکم و اجتناب از مباحث عملی مرتبط با انطباق با قوانین متنوع داخلی کشورهای دیگر تأثیرگذار بوده است. نمایندگان کشورهای مختلف در مورد این پیشنهاد اظهار نظر نموده و مواردی را مطرح نمودند. به‌عنوان مثال می‌توان به دیدگاه نماینده اروگوئه اشاره نمود که دستیابی به ماده‌ای که در سطح جهانی قابل اجرا باشد را دشوار می‌دانست. درنهایت پیشنهاد شد که کارگروه کمیته با دقت تمام و در نظر گرفتن تمامی ملاحظات مقدار دقیق حداقل سن مسئولیت کیفری را مشخص نماید. کمیته ۳ موافقت نمود که کل پیش‌نویس ماده ۶۸ را برای بحث و بررسی بیشتر به کارگروه مرتبط ارجاع دهد. کارگروه مذکور، پیش‌نویس مقاله را به مدت یک‌هفته مورد بحث قرار داد و موارد زیر را باتوجه به پیشنهاد برزیل بیان نمود:

یکی از نمایندگان مایل بود که در گزارش متذکر شود که ترجیح می‌دهد بند ۶ جدیدی اضافه کند که هرگونه تعقیب کیفری و مجازات کودکی را که در زمان ارتکاب جرم به سن کافی برای درک پیامدهای اعمال خود نرسیده است، ممنوع کند. با این حال، کارگروه تصمیم گرفت که بهتر است تعریف چنین استانداردهایی به قوانین ملی واگذار شود (Happold, 2005: 357).

کارگروه پیش‌نویس ماده ۶۸ را بدون اعمال نمودن اصلاحیه پیشنهادی برزیل بازگرداند، هرچند که امکان تصویب ماده مذکور با اجماع کشورها وجود داشت. پیشنهاد اضافه نمودن

مجازات اعدام برای افرادی است در زمان درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی مرتکب برخی جرایم شده و سنشان زیر ۱۸ سال بوده است. دامنه این ماده نسبتاً محدود است و شامل جرایم کیفری معمولی نمی‌شود و تنها در مورد ماده (۵) ۷۷ در متن نهایی صدق می‌کند. باتوجه به پیش‌نویس ماده (۳) ۶۸ هیأت برزیلی پیشنهاد اضافه کردن جمله زیر را داد که همچنان به جرایم مربوط به برخی منازعات بین‌المللی اشاره دارد: «تعقیب کیفری و صدور حکم در مورد افرادی که در زمان ارتکاب به جرم زیر ۱۶ سال سن داشته‌اند، انجام نمی‌شود.»

از سه کمیته عمومی کنفرانس دیپلماتیک، کمیته ۳ پیش‌نویس ماده ۶۸ و اصلاحات پیشنهادی آن را مورد بررسی قرار داد. در اولین جلسه کمیته در مورد ماده مذکور، نماینده هیأت برزیلی پیشنهاد خود را به‌صورت رسمی ارائه نمود و به‌صراحت به سن ۱۸ سال به‌عنوان سن بلوغ کیفری در قانون برزیل اشاره نمود. در آن زمان، ۱۸ سال به‌عنوان حداقل سن مسئولیت کیفری در برزیل مشخص شده بود و هیچ‌گونه دادرسی کیفری، صدور حکم و یا مجازاتی برای بزهکاران زیر ۱۸ سال اعمال نمی‌شد. نماینده برزیل توضیح داد که هیأت وی به جای ۱۸ سال، محدودیت سنی ۱۶ را برای دادرسی‌ها و مجازات‌های کیفری پیشنهاد می‌کند، به امید این که به‌صورت کلی قابل قبول باشد. نماینده برزیل ادامه داد که حتی اگر ۱۶ سال هم قابل قبول نباشد، هیأت برزیلی همچنان تعیین محدودیت سنی ثابت را مطلوب می‌داند. جالب توجه است بحث کمیته ۳ در مورد پیشنهاد برزیل که در اینجا مورد بررسی قرار گرفت، عمدتاً به مفاد حقوق کیفری داخلی توجه داشت و در مورد آن اظهار نظر کرد.

در اولین پاسخ مستقیم به پیشنهاد هیأت برزیلی، نماینده ژاپن به این مسأله اشاره نمود که قوانین کیفری بسیاری از کشورهای جهان ۱۴ سال را به‌عنوان حداقل سن مسئولیت کیفری مقرر نموده‌اند. علی‌الظاهر، حداقل سن مسئولیت کیفری در آن زمان در کشور ژاپن ۱۴ سال بود و از این‌رو نماینده ژاپن پیشنهاد نمود تا پیشنهاد هیأت برزیلی دو سال کاهش پیدا کند تا قابل قبول باشد. بدیهی بود که اولویت اول کمیته برای تصمیم‌گیری کسب اجماع و در پیش‌گرفتن

این وجود، نه روند تهیه پیش‌نویس تا سال ۱۹۸۸ و نه متن اولیه که در اولین قرائت آن سال به تصویب رسید، منجر به ارجاع بیشتر به مفهوم حداقل سن مسئولیت کیفری نشد. بخش توسعه اجتماعی مرکز توسعه اجتماعی و امور بشردوستانه ملل متحد در بررسی فنی متعاقبی که انجام داد، به فقدان حداقل سن مسئولیت کیفری به عنوان اولین انتقاد خود از پیش‌نویس ماده مرتبط با عدالت نوجوانان اشاره کرد: «پاراگراف یک هیچ اشاره‌ای به این واقعیت ندارد که کودکان علی‌الاصول نباید دارای مسئولیت کیفری تلقی شده و یا زندانی شوند.» در این راستا، توجه‌ها به سمت قانون شماره ۴ از مجموعه قوانین پکن معطوف می‌شود که براساس آن و باتوجه به قوانین ملی، باید به صراحت اذعان نمود که کودکان تا رسیدن به سن خاصی نباید دارای مسئولیت کیفری باشند (Don, 2023: 68).

متعاقباً و در سال ۱۹۸۸، براساس پیشنهادهایی از این دست، یونیسف از شعبه پیشگیری از جرم و عدالت کیفری مرکز توسعه اجتماعی و امور بشردوستانه ملل متحد درخواست نمود تا پیش نویس ماده جدیدی مرتبط با سیستم عدالت اطفال را تدوین کند. این شعبه که تا آن زمان نقش مستقیمی در تفسیر مفاد کنوانسیون نداشت همان دفتری بود که تهیه پیش‌نویس قوانین پکن را در دست داشت. این دفتر با ارجاع و استناد مستقیم و گسترده به قوانین پکن دو گزینه جدید برای ماده مرتبط با عدالت اطفال پیشنهاد نمود. گزینه نخست که در نهایت کنار گذاشته شد، به دنبال به حداقل رساندن تغییرات در پیش‌نویس متن تصویب شده بود؛ گزینه دوم پیش‌نویس ماده مذکور را عمده‌تاً براساس قوانین پکن تنظیم نموده بود که شامل موارد ذیل است:

کشورهای عضو این حق را برای کودکانی که مظنون و یا متهم به نقض قوانین جزایی هستند، به رسمیت می‌شناسند که قبل از رسیدن به سن خاصی دارای مسئولیت کیفری تلقی نشده و براساس قوانین ملی، زندانی نشوند. سن مسئولیت کیفری نباید در سطح بسیار پایین تعیین شود و باید با در نظر گرفتن حقایق و شرایط بلوغ عاطفی، ذهنی و فکری و مراحل رشد مشخص شود (عباسی سرمدی و زنگی اهرمی، ۱۳۹۴: ۴۲-۲۳).

پاراگراف جدید می‌توانست تثبیت‌کننده اصلی محوری در حقوق بین‌المللی در ارتباط با حداقل سن مسئولیت کیفری باشد. کمیته ۳ برای تکمیل نمودن مأموریت خود بحث در مورد پیش نویس مواد را خاتمه یافته اعلام نمود، اما به هیأت‌ها اجازه داد تا در مورد آرای خود توضیح دهند. پس از تصویب پیش‌نویس ماده ۶۸ نماینده ایتالیا بیانیه‌ای ارائه کرد: «پروتکل الحاقی ۱ در تاریخ ۸ ژوئن ۱۹۷۷ تصویب شد و در نهایت هم هیچ‌گونه محدودیتی بر حداقل سن مسئولیت کیفری اعمال ننمود.» به هر روی، گزارش نهایی کمیته ۳ مؤید این مسأله بود که یک اصل کلی حقوق بین‌الملل در این حوزه وجود دارد. بر این اساس، شرکت‌کنندگان با وجود این اصل موافقت کردند و در واقع هرگز حتی آن را مورد تردید قرار ندادند که هیچ فردی را نمی‌توان به جرمی مجرمانه محکوم کرد، اگر در زمان ارتکاب جرم، نتواند عواقب عمل خود را درک کند. بدیهی است که اعمال این اصل زمینه‌های خاصی را طلب می‌کند. این اصل باتوجه خاص به کودکان و در ارتباط با درک کودکان در سنین مختلف تدوین شده و هرگونه تعقیب، محکومیت و مجازات کیفری را بدون توجه به ماهیت جرم ممنوع می‌کند و اعتبار آن مستقل از وجود یا عدم وجود درگیری‌های مسلحانه است. ظاهراً به دلیل مشکل در توافق بر سر یک محدودیت سنی مشترک، مقرر شد که قوانین ملی باید اعمال این اصل را تنظیم کنند. ادبیات تحقیق جدید به صورت تجربی از نتیجه‌گیری کمیته ۳ مبنی بر وجود یک اصل کلی قانون حمایت کرده است، در حالی که تصریح می‌کند که این قاعده ظاهراً محدودیت سنی ثابت یا بررسی موردی مسئولیت کیفری بالقوه کودکان را میسر می‌کند. این نکات در فصل ۵ و در ضمن بررسی حداقل سن مسئولیت کیفری در سیستم‌های قضایی جهان مورد بررسی قرار می‌گیرند (Haji & Noor, 1981: 68).

۱-۴- الزامات دولت‌ها در خصوص حداقل سن مسئولیت کیفری کودک از منظر اسناد خاص بین‌المللی (کنوانسیون حقوق کودک)

در طول مذاکرات سال ۱۹۷۹ در مورد پیش‌نویس اولیه آنچه که بعداً تبدیل به کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ شد، نمایندگان کشورهای مختلف حداقل سن مسئولیت کیفری را به عنوان یکی از موضوعات کلیدی مرتبط در نظر گرفتند. با

۳- کشورهای عضو باید به دنبال ایجاد قوانین، رویه‌ها، صلاحیت‌ها و مؤسساتی باشند که مختص به کودکان مظنون و یا متهم به نقض قوانین جزایی باشند و به‌ویژه:

- نسبت به تعیین حداقل سن مسئولیت کیفری اقدام کنند و فرض بر این باشد که کودکان زیر این سن فاقد توانایی برای نقض قوانین جزایی هستند.

مشخص نیست که چرا گروه تهیه پیش‌نویس متن قبلی پیشنهادی در مورد حداقل سن مسئولیت کیفری را تغییر داد و عبارت «بلوغ عاطفی، ذهنی و فکری و مرحله رشد» و همچنین ممنوعیت حبس کودکان زیر حداقل سن مسئولیت کیفری و موارد مرتبط با کودکانی که مسؤول تلقی می‌شوند را حذف نمود. با وجود آن‌که بسیاری از وجوه ماده ۴۰ قبل از تصویب نهایی مورد بحث قرار گرفتند، هیچ سابقه‌ای از بحث مختص به حداقل سن مسئولیت کیفری در کارهای مقدماتی تهیه پیش‌نویس کنوانسیون وجود ندارد. نتیجه، معاهده‌ای با زبان ساده‌تر است که به موجب آن کشورها باید با تعیین مرزهای قطعی پایین‌تر و به موجب تعیین حداقل سن مسئولیت کیفری به صورت رسمی تکلیف اهلیت قضایی اطفال را روشن کنند (Sharon, 1981: 215).

از نوآوری‌های متن کنوانسیون حقوق کودک می‌توان به تعیین حداقل سن مسئولیت کیفری به عنوان یکی از الزامات صریح معاهده اشاره نمود که در نوع خود اولین الزام از این نوع به شمار می‌رود. به هر روی، مشکلات متعددی به وجود آمدند که از جمله می‌توان به تعریف معاهده از حداقل سن مسئولیت کیفری به عنوان سنی اشاره نمود که فرض می‌شود که کودکان زیر این سن توانایی نقض قانون کیفری را دارا نیستند. این فرمول مبهم است و ممکن است در سنت‌های حقوقی ناآشنا با عبارت‌های اینچینی که مشخصه حقوق عرفی انگلیسی است، وزن کمی داشته باشد.

این پیش‌نویس، به عنوان اولین پیشنهاد ویژه مرتبط با حداقل سن مسئولیت کیفری در طول فرآیند تهیه پیش‌نویس کنوانسیون حقوق کودک، زبانی مشابه با قانون شماره ۴ از مجموعه قوانین پکن دارد و از این قاعده صرف نظر می‌کند که برخی از سیستم‌های حقوقی ممکن است مفهوم حداقل سن مسئولیت کیفری را به رسمیت نشناسند. این پیش‌نویس استاندارد بالاتری پیشنهاد می‌کند که براساس آن همه کشورهای عضو باید حداقل سن مسئولیت کیفری را مشخص نمایند. لازم به ذکر است که موضوع رویکردهای مختلف در قبال حداقل سن مسئولیت کیفری و حمایت آن‌ها از تلاش‌ها برای رسیدن به پایین‌ترین سن قابل قبول مشترک که در قوانین پکن به نوعی مطرح شده بودند، در این پیش‌نویس حذف شده‌اند. این حذفیات احتمالاً نتیجه تلاش‌های بی‌ثمر برای تعیین حداقل سن مسئولیت کیفری واحد در طول تدوین قوانین پکن بوده است. نکته دیگری که حذف شده، بحث‌های جنجالی تهیه‌کنندگان پیش‌نویس کنوانسیون حقوق کودک در ضمن نهایی کردن قوانین پکن و پروتکل الحاقی یک به کنوانسیون ژنو بوده است. پیش‌نویس پیشنهادی با تمرکز بر حداقل سن مسئولیت کیفری تصریح می‌کند که این سن نباید خیلی پایین باشد و تأکید می‌کند که حبس کودکان قبل از رسیدن به حداقل سن مسئولیت کیفری منتفی است. نکته دیگری که قابل توجه است انشای سستی است که به موجب آن قیودی به کودکان فاقد مسئولیت مدنی منتسب شده است. این مسأله اجازه می‌دهد تا وارد نمودن اتهامات رسمی و به رسمیت شناختن کودکان متعارض با قانون میسر باشد، در عین این‌که این کودکان دارای مسئولیت کیفری قلمداد نمی‌شوند (پورقاسم چورکوجان و بشیری، ۱۴۰۰: ۹۳-۶۴).

متعاقباً، گروه تهیه‌کننده پیش‌نویس، ماده پیشنهادی عدالت اطفال و پیشنهادات مربوطه را مورد توجه قرار داد و متن جدیدی را تدوین نمود که در نهایت به ماده ۴۰ کنوانسیون کودک تبدیل شد. متن جدید به صراحت مسأله حداقل سن مسئولیت کیفری را مخاطب قرار می‌داد و درواقع تبدیل به یکی از مواد کنوانسیون نهایی گردید:

موردی توجه نمی‌کند، بلکه آن‌ها را به‌طور کامل از حوزه عدالت کیفری خارج می‌کند (Don, 2023: 189).

این دیدگاه متعاقباً به شروط مرتبط در کنوانسیون حقوق کودک و استانداردهای حداقلی ملل متحد برای عدالت اطفال بازمی‌گردد و به‌صورتی که در ادامه بحث خواهد شد، اجرای قوانین کیفری به‌موجب دکترین وضعیت غیرعادی را رد می‌کند. به صورتی که مشاهده شد، اکثریت صاحب‌نظران بر این باورند که حداقل سن مسئولیت کیفری باید توسط قانون مشخص شود و همانند آزمون‌های اماره عدم رشد، ایده ارزیابی شخصی به جهت ظرفیت برای تخصیص مسئولیت کیفری را رد می‌کنند. از سوی دیگر، برخی موافقان تردیدهایی را در مورد تعیین حداقل سن مسئولیت کیفری بدون ارزیابی ظرفیت افراد برای مسئولیت کیفری بیان کرده‌اند.

۲-۲- کنوانسیون اروپایی حقوق بشر

کنوانسیون ۱۹۵۰ اروپایی حقوق بشر یا کنوانسیون حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، توسط دادگاه اروپایی حقوق بشر تفسیر و اعمال می‌شود. در سال ۱۹۹۹، دادگاه به دو پرونده مهم مربوط به حداقل سن مسئولیت کیفری رسیدگی نموده و تصمیماتی را صادر کرد. پرونده نخست پرونده بدنام بولگر بود که در بخش ۵ به تفصیل به آن اشاره شده است. پرونده اصلی به تاریخ ۱۹۹۳ دارای دو مجرم ۱۰ ساله پسر بود که در لیورپول انگلستان جیمز بولگر ۲ ساله را ربوده و تا سرحد مرگ کتک زده بودند. مجرمان سپس بدن کودک نوبا را روی ریل راه‌آهن رها کردند که بعداً توسط قطاری که در حال عبور بود، له شد. دادگاه سه هفته‌ای آن‌ها با خشم بی‌سابقه عمومی و جنجال‌های رسانه‌ای همراه بود، معترضان خشمگین بودند و سعی کردند به خودروی حامل مجرمان ۱۰ ساله به دادگاه حمله کنند. دادگاه و روند محاکمه به‌رغم برخی تطابق‌های صورت گرفته برای مجرمان ۱۰ ساله کاملاً رسمی و مشابه دادگاه بزرگسالان بود. در آن زمان حداقل سن مسئولیت کیفری در بریتانیا ۱۰ بود، البته فرض ابطال‌پذیری مسئولیت برای کودکان ۱۰ تا ۱۴ سال وجود داشت، مشروط بر آن که کودک توانایی تشخیص خوب از بد را نداشته باشد. این فرض باطل اعلام شد و هیأت منصفه دادگاه هر دو کودک را گناه کار

۲- الزامات دولت‌ها در خصوص حداقل سن مسئولیت کیفری کودک از منظر اسناد منطقه‌ای

در این قسمت به بررسی الزامات دولت‌ها در خصوص حداقل سن مسئولیت کیفری کودک از منظر اسناد منطقه‌ای پرداخته می‌شود.

۱-۲- کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر

دو نهاد مسئول نظارت بر رعایت مفاد کنوانسیون حقوق بشر ۱۹۶۹ آمریکا هستند: کمیسیون آمریکایی حقوق بشر و دادگاه آمریکایی حقوق بشر. در سال ۲۰۱۱، دادگاه آمریکایی حقوق بشر از کمیسیون درخواست نمود تا نظر مشاوره‌ای خود در مورد شرایط حقوقی و حقوق بشر کودکان را اعلام نماید. اگرچه که ماهیت درخواست مذکور چیزی بیش از حداقل سن مسئولیت کیفری بود، هدف از طرح آن نگرانی مقامات در مورد چگونگی رفتار قانون و مقامات با کودکان فاقد قدرت تشخیص و تمیز بود، به‌صورتی که در فصل ۱ ذکر شد، چنین تصمیم‌هایی به لحاظ تاریخی منجر به اقداماتی شده‌اند که در عمل حقوق کودکان، حمایت‌های قانونی و تضمین‌ها را به‌ویژه در حقوق کیفری، علی‌رغم توجه به‌عنوان بهترین منافع کودک، محدود می‌کنند.

اکثریت دادگاه آمریکایی حقوق بشر در ضمن بحث گسترده و مشروح خود در امور مربوط به کودکان حداقل ظرفیت برای مسئولیت کیفری را مورد بحث قرار داده‌اند و از آن با عنوان «قابل اتهام‌بودن» یاد کرده‌اند: «از دیدگاه کیفری و در ارتباط با رفتاری که به‌عنوان جرم تعریف شده و با مجازات متعاقب قابل مجازات است، مقصود از قابل اتهام‌بودن ظرفیت یک شخص برای مجرمیت می‌باشد. اگر شخص مذکور فاقد این ظرفیت باشد، نمی‌توان همانند طرح دعوی علیه شخصی که قابل تعقیب است، بر ضد وی اقامه دعوی نمود. زمانی که فرد نتواند ماهیت عمل یا ترک عمل خود را درک کند و یا مطابق با آن درک رفتار کند، امکان واردنمودن اتهام به وی وجود ندارد. عموماً پذیرفته شده است که کودکان زیر سن خاصی فاقد این ظرفیت هستند. این مسأله به‌عنوان یک ارزیابی حقوق عمومی مصداق دارد و به شرایط خاص کودکان را به‌صورت

تشخیص داد و قاضی آن‌ها را به مدت حبس قانونی متهم نمود. هر دو کودک متعاقباً به دادگاه حقوق بشر اروپا شکایت کردند و مدعی شدند که این محاکمه و محکومیت تعدادی از حقوق اساسی آن‌ها را نقض کرده است.

دادگاه حقوق بشر به بررسی این مسأله پرداخت که آیا حداقل سن مسئولیت کیفری بریتانیا، فی‌نفسه، نقض ماده ۳ ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر با موضوع حق بر شکنجه‌نشدن و مورد رفتار غیرانسانی یا تحقیرآمیز قرارنگرفتن هست و یا خیر. در این راستا، دادگاه مفاد قانونی مرتبط با حداقل سن مسئولیت کیفری را در میان کشورهای عضو شورای اروپا و همچنین متون و اسناد بین‌المللی مربوطه را مورد بررسی قرار داد، درحالی‌که دادگاه اروپایی حقوق بشر تصریح نمود که حداقل سن مسئولیت کیفری در کشور بریتانیا پایین است، اما نتوانست سن ثبت‌شده‌ای را در اروپا پیدا کند که مبنای عمل باشد و سن تعیین‌شده توسط انگلیس را آنقدر پایین ندید که به طور نامتناسبی با استانداردهای رایج متفاوت باشد، درضمن نتوانست رویه مشخصی در قبال حداقل سن مسئولیت کیفری مطلوب در قوانین پکن و یا قوانین کنوانسیون اروپایی حقوق کودک یافت کند. به این ترتیب، دادگاه اعلام کرد که انتساب مسئولیت کیفری به کودک مجرمان به‌خودی‌خود نقض ماده ۳ در نظر گرفته نمی‌شود (Happold, 2005: 678).

تقریباً یک‌سوم قضات دادگاه اروپایی حقوق بشر با امضای سندی با انجام این تفسیر توسط دادگاه مخالفت نمودند. این قضات به‌صورت اخص بحث نمودند که تعیین حداقل سن مسئولیت کیفری پایین، محاکمه در دادگاه بزرگسالان و صدور حکم نامعین (حبس برای مدت زمان نامحدود) همه و همه سطحی از رنج روحی و جسمی را برای کودک مجرمان ایجاد نموده که برخلاف ماده ۳ مصداق رفتار غیرانسانی و تحقیرآمیز بوده است.

آن‌ها همچنین بحث نمودند که بررسی حداقل سن مسئولیت کیفری به‌تنهایی و جدا از روند محاکمه و همچنین نیافتن یک رویه روشن مرتبط با حداقل سن مسئولیت کیفری در میان کشورهای اروپایی و اسناد بین‌المللی باعث شده تا اکثریت دادگاه به اشتباه بیفتند. کمپین دارای نظر تا حدی مخالف،

خاطرنشان کرد که تنها ۴ کشور از ۴۱ کشور عضو دارای حداقل سن مسئولیت کیفری کمتر و یا هم اندازه با انگلیس بوده‌اند و استدلال نمود که این یک تفاوت نامتناسب است. قضات به این نتیجه‌گیری رسیدند که در نبود توصیه‌های ویژه در قوانین پکن، مفاهیمی چون بلوغ و مسئولیت کیفری بدون شک به هم مرتبط می‌شوند و تقریباً تمامی کشورهای عضو بر این باورند که کودکان کوچک‌تر از ۱۳ یا ۱۴ سال فاقد بلوغ لازم به‌جهت تحقق مسئولیت کیفری هستند.

به‌رغم این مخالفت، دادگاه از مرتبط‌نمودن سن مسئولیت کیفری پایین در بریتانیا با نقض حقوق کودکان خودداری نمود و بر دیدگاه خود در پرونده بعدی هم اصرار ورزید، به‌صورتی‌که در بخش دیگری از این کتاب ذکر شده است، به‌هرروی، این پرونده‌ها به‌جهت حق کودکان برای مشارکت مؤثر در دادگاه دارای اهمیت هستند، به‌علاوه باتوجه به شفاف‌سازی‌های کمیته در مورد حقوق کودکان و استانداردهای بین‌المللی برای حداقل سن مسئولیت کیفری، به‌نظر بدیهی می‌رسد که از دادگاه اروپایی حقوق بشر درخواست شود که در سال‌های آتی استدلال خود در مورد حداقل سن مسئولیت کیفری را مورد بررسی مجدد قرار دهد (Haji & Noor, 1981: 58).

۳- ضرورت تحول در سن مسئولیت کیفری در راستای حمایت از کودکان

از حدود بیست‌سال گذشته تا به امروز در قوانین داخلی و بین‌المللی توجه ویژه‌ای به حقوق بزه‌دیدگان شده است. سیاست‌گذاران و تعیین‌کنندگان خط مشی برای نظام عدالت کیفری نیز باید به این موضوع مهم در روند وضع قوانین کیفری توجه کنند. وجود برخی قوانین احتمال بزه‌دیده‌شدن فرد را افزایش می‌دهد. برخی جرم‌انگاری‌ها مغایر با حقوق و نیازهای بزه‌دیدگان است و جرم‌زدایی از پاره‌ای قوانین برای تحقق حقوق بزه‌دیدگان ضروری است. در این باره می‌توان کودکان را مثال زد. وجود برخی قوانین با تفسیرهای دامنه‌دار، زمینه بزه‌دیدگی کودک را فراهم می‌کند، مثلاً سن پایین مسئولیت کیفری یعنی ۹ و ۱۵ سال، در ایران باعث می‌شود که اطلاق عناوین مجرمانه بر تعداد زیادی از افراد میسر باشد. وجود این رقم باعث ورود افراد بیشتری به دایره حقوق جزا و افزایش

«مسامحه» بوده‌اند. یک تحقیق مستقل نشان می‌دهد که در حدود ۱/۲۹ درصد از کودکان در آمریکا در سال ۲۰۲۴ در اثر بدرفتاری، جان خود را از دست داده‌اند و در ۴۵ درصد موارد بدرفتاری با کودکان عامل مرگومیر آن‌ها بوده است. از این رو برخی درباره جرم‌انگاری مسامحه، در ارتباط با کودک، سخن گفته‌اند.

جرم‌انگاری افتراقی و کیفرگذاری ویژه مهم‌ترین سازوکارهای حمایت از اطفال در برابر تعرضات مجرمانه محسوب می‌شود. جرم‌انگاری‌های افتراقی از دو طریق سنتی و نوین انجام می‌شود. در روش سنتی، قانون‌گذار کیفری در چهارچوب قوانین عام موادی از قانون را به حمایت از کودکان اختصاص می‌دهد. برای مثال کتاب دوم قانون مجازات عمومی فرانسه تحت عنوان «تعرض به شخص انسانی»، فصل هفتم آن با نام «تعرض به کودکان و نوجوانان و خانواده» اختصاص داده شده است. قانون‌گذار چین در فصل هفتم قانون جزای جمهوری خلق چین تحت عنوان «جرایم ضد حقوق شهروندی و حقوق دموکراتیک افراد» مواردی را به جرم‌انگاری رفتارهای ناقض حقوق اطفال اختصاص داده است، اما در رویکردهای نوین، قانون‌گذار با تصویب قوانین خاص حمایت ویژه خود را از اطفال از طریق جرم‌انگاری به عمل می‌آورد. قانون حمایت از کودکان مصوب ۱۹۹۵ تونس، قانون پیشگیری از کودک‌آزاری آمریکا مصوب ۱۹۷۲ و اصلاحی ۱۹۹۶، قانون کودکان انگلستان، قانون حمایت کودک کانادا مصوب ۲۰۰۵ و قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱ ایران از این نمونه‌اند (زینالی، ۱۳۸۸: ۸۸-۵۱).

کیفرگذاری افتراقی نیز نوع دیگر حمایت است. حمایت کیفری از بزه‌دیدگان می‌تواند به شکل ساده نمود یابد، بدین ترتیب اگر جرم‌انگاری سازوکاری برای پیشگیری از رخداد جرم از رهگذر بازدارندگی جمعی و فردی است، تدبیری برای پیشگیری از بزه‌دیدگی از رهگذر حمایت کیفری نیز به‌شمار می‌رود، پس گزینش ضمانت اجرای مناسب باید مد نظر قانون‌گذار قرار گیرد. این جنبه از حمایت چندان مورد توجه قانون‌گذار ایران واقع نشده است. حمایت کیفری تشدید شکل دیگری از حمایت کیفری بزه‌دیدگان است، بدین ترتیب که با تشدید

جرم‌انگاری‌های بی‌مورد می‌گردد. پیامدهای منفی دیگری مثل بحران تورم جمعیت زندان‌ها و کانون‌های اصلاح و تربیت و مراکز بازپروری، خوردن برچسب مجرمانه به اطفال، تحمیل هزینه‌های گزاف بر بدنه نظام عدالت کیفری از دیگر آثار آن است. بنابراین با اصلاح قانون، افراد بسیاری را می‌توان بیرون از حیطه حقوق جزا قرار داد و از تحمیل بالقوه آثار زیان‌بار آن بر اطفال پرهیز کرد.

لزوم حمایت از طفل به‌وسیله قوانین جزایی امری ضروری است. مسامحه و کودک‌آزاری را امروزه قوانین داخلی و بین‌المللی جرم‌انگاری کرده‌اند. مسامحه کودک عموماً به معنای محرومیت از غذای کافی، لباس، سرپناه، درمان پزشکی و سرپرست است. بی‌توجهی جسمی عموماً شامل فراهم‌نکردن یا نداشت توانایی در فراهم‌کردن نیازهای اساسی کودک مانند آب، غذا، پوشاک و ... که هر انسان معمولی در شرایط عادی زندگی نیازمند آن‌هاست، می‌باشد. کاستی یا امتناع در فراهم‌کردن چنین نیازهای اساسی، سلامت جسمی کودک را به خطر انداخته و مانع رشد فیزیکی و پیشرفت وی می‌شود. منظور از مسامحه در تعلیم و تربیت آن است که کودک به محض آن‌که به لحاظ سنی در کشور متبوع یا محل اقامت خود شرایط تحصیل را پیدا کرد، از دسترسی به مدارس عمومی یا خانگی یا موقعیت‌های دیگر آموزش محروم شود. درواقع محرومیت از تحصیل ممکن است باعث دست‌نیافتن کودک، به بسیاری از نیازهای اساسی زندگی شود و نیازهای عاطفی وی را به شدت تحت تأثیر قرار دهد، اما نیازهای فیزیولوژیک و احساسی، بیان‌کننده وابستگی عمیق و شدید کودک به والدین خود است. نیازهای پزشکی و دارویی شامل فراهم‌کردن شرایط تأمین سلامت کودک است. کشورهای زیادی با درپیش گرفتن رویه‌های مثبت، درصدد تأمین این نیازهای کودک بوده‌اند. برای مثال دولت انگلیس در سال‌های اخیر، اقدام به طراحی و ارائه یک سرویس عمومی سلامتی براساس نیازهای کودکان و خانواده آن‌ها نموده است. وفق گزارش نظام آماری ملی سوءاستفاده و نادیده‌گرفتن کودکان در سال ۲۰۲۳، دو درصد از کودکان در آمریکا بزه‌دیده بی‌توجهی پزشکی بوده‌اند. وفق گزارش همان منبع، به‌طور تقریبی تخمین زده می‌شود که در سال ۲۰۰۵ حدود ۸۹۹۰۰۰ کودک در آمریکا قربانی و بزه‌دیده

را مطابق میل و رضایتش نمی‌داند (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۷: ۱۲۵). بنابراین فلسفه وجودی حق شرط، تسهیل عضویت دولت‌ها و گسترش دامنه الحاق به معاهدات است و بدین‌وسیله از توجیه‌های بی‌اساس و نامربوط و غیرموجه با این استناد که یک یا چند ماده معاهده، مغایر با حقوق داخلی کشورهاست و به این دلیل از پیوستن به کلیت آن امتناع کنند، جلوگیری می‌شود.

چالش اصلی دولت ایران در سال‌های اخیر، عدم الحاق به معاهدات بین‌المللی است. برای مثال، جرم‌انگاری در حوزه حقوق مالکیت فکری، جرم‌انگاری در حوزه محیط زیست، جرم‌انگاری وفق اساسنامه دیوان کیفری بین‌الملل از آن جمله‌اند. همچنین جرم‌زدایی از برخی رفتارها مانند اعتیاد به مواد مخدر نیز باید در دستور کار قرار گیرد. همچنین استفاده از حق شرط از سوی مقامات ایرانی در معاهدات بین‌المللی حمایت‌های حقوق کیفری را بی‌اثر ساخته است. به‌عنوان نمونه می‌توان به کنوانسیون حقوق کودک اشاره کرد. دولت جمهوری اسلامی ایران هنگام امضای کنوانسیون ۱۹۸۹ حقوق کودک در سپتامبر ۱۹۹۰ (شهریور ۱۳۶۹) به این شرح اعلام حق شرط نمود: «جمهوری اسلامی ایران نسبت به مواد و مقرراتی که مغایر با شریعت اسلامی باشد، اعلام حق شرط می‌نماید و این حق را برای خود محفوظ می‌دارد که هنگام تصویب، چنین حق شرطی را اعلام نماید» (مهریور، ۱۳۷۷: ۱۴۵). اعلام حق شرط در غالب متن ماده واحده مصوب مجلس نیز چنین است: «کنوانسیون حقوق کودک مشتمل بر یک مقدمه و ۵۴ ماده به شرح پیوست تصویب و اجازه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به آن داده می‌شود، مشروط بر این‌که مفاد آن در هر مورد و هر زمان در تعارض با قوانین داخلی و موازین اسلامی باشد یا قرار گیرد، از طرف دولت جمهوری اسلامی ایران لازم‌الرعایه نباشد.»

«شورای نگهبان در نظریه ۵۷۶ مورخ ۱۳۷۲/۱۱/۱۴، بند ۱ ماده ۱۲، بندهای ۱ و ۳ ماده ۱۴، بند ۲ ماده ۱۵، بند ۱ ماده ۱۶ و قسمت ۱ ماده ۲۹ را مغایر با موازین شرع شناخت. مجلس پس از دریافت نظر شورای نگهبان، همان شرط کلی اولیه را با اندکی تغییر تصویب و به این شورا ارسال کرد و شورای نگهبان هم شرط کلی مجلس را تصویب کرد» (رایجیان اصلی، ۱۳۸۴: ۱۲۳/۱).

ضمانت اجرای کیفری می‌توان از بزه‌دیده حمایت کرد، پس قوانین کیفری در راستای حمایت از اطفال با در نظر گرفتن سن مسؤولیت کیفری علاوه‌بر کارکردی که در پیشگیری از رخداد جرم از رهگذر ترساندن شهروندان و نیز در بازبرقراری نظم عمومی از رهگذر کیفر بزه‌کار ایفا می‌کنند، حمایت از بزه‌دیده را از طریق جرم‌انگاری برعهده دارند (رایجیان اصلی، ۱۳۸۴: ۱۲۳/۱).

در نظام حقوقی ایران پس از تصویب معاهدات بین‌المللی و امضا توسط مقامات ذی‌صلاح کشورها بحث داخل‌شدن معاهده به حقوق داخلی کشورها پیش می‌آید که هریک شیوه‌ای خاص را برگزیده‌اند. شرط ورود یک معاهده بین‌المللی به نظام حقوق داخلی ایران و این‌که آن معاهده لباس ایرانی بر تن کند، آن است که مراحل مختلفی را از تأیید شورای نگهبان گرفته تا تصویب مجلس و امضای رئیس‌جمهور و ... سپری نماید. مسأله تعهدات بین‌المللی ایران در اصول ۷۷ و ۱۲۵ قانون اساسی انعکاس یافته و برای این‌که مصوبه مجلس مطابق ماده ۹ قانون مدنی در حکم قانون داخلی تلقی شود، نیاز به تصویب مجلس و تأیید شورای نگهبان و امضای رئیس‌جمهور یا نماینده قانونی او دارد.

پس از تصویب مجلس، بررسی و تأیید شورای نگهبان به‌جهت عدم مغایرت مصوبه با شرع و قانون اساسی وفق اصل ۹۴ قانون اساسی لازم است. درصورت اختلاف بین مجلس و شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام، نهاد تصمیم‌گیرنده خواهد بود، اگرچه کلیت معاهده مصوب ارکان قانون‌گذار حقوق بین‌الملل مورد تأیید دولت‌ها است، اما در مورد برخی از مواد اختلاف نظر وجود دارد و ممکن است با قاعده نظم عمومی و اخلاق حسنه برخورد کند. به همین سبب هنگام امضا، تصویب، قبول یا الحاق به معاهده بین‌المللی اگر دولتی برخی از مواد آن را به جهات مذکور مغایر با قوانین و عرف و به‌طور کلی نظام حقوقی خود بیابد می‌تواند با استفاده از «حق شرط» آن ماده را نپذیرفته یا آثار حقوقی آن را نسبت به خود بی‌اثر سازد. درواقع دولتی که از حق شرط استفاده می‌کند، اگرچه رضایت خود را به التزام در مقابل معاهده اعلام می‌کند، اما خواستار استثناکردن خود نسبت به تعهداتی است که آن‌ها

شروط کنوانسیون حقوق کودک سازگار نیستند. سنین مذکور مشتمل بر دکتین اماره عدم رشد و طیف‌های سنی مشابه برای فرضیات ابطال‌پذیر، سنین چندگانه براساس نوع و شدت جرایم و محدودیت‌های سنی مشخص‌شده در قوانین ضدتروریسم و دیگر قوانین اضطراری است (حداقل سن بلوغ کیفری که باید ۱۸ سال و یا بالاتر باشد). حداقل سن مسئولیت کیفری باید کاملاً در قانون محترم شمرده شود و اصل عدم تبعیض (مثلاً در زمینه جنسیت، وضعیت اجتماعی - اقتصادی و گروه‌های آسیب‌پذیر) را عملی کند. اگر هیچ مدرکی دال بر سن کودکان در تعارض با قانون وجود نداشته باشد، کودکان مستحق تحقیقات پزشکی یا اجتماعی موثق هستند. اگر شواهد در مورد این که آیا کودکان کوچک‌تر از حداقل سن مسئولیت کیفری هستند یا نه، قطعی نیست، کودکان مسئولیت کیفری نخواهند داشت. کودکان کوچک‌تر از حداقل سن مسئولیت کیفری در زمان ارتکاب جرایم ادعایی نمی‌توانند رسماً متهم شوند یا در دادگاه کیفری نوجوانان یا بزرگسالان مسؤول شناخته شوند یا مشمول رویه‌ها یا پاسخ‌های قانون کیفری باشند. علاوه بر این، نمی‌توان با آن‌ها به شیوه‌ای مجرمانه رفتار کرد، از جمله بازداشت در بازداشتگاه پلیس یا سایر اشکال بازداشت. در صورت لزوم می‌توان تدابیر حفاظتی ویژه‌ای برای برآوردن منافع اصلح کودکانی که در زمان وقوع جرایم ادعا شده کوچک‌تر از حداقل سن مسئولیت کیفری بوده‌اند، از طریق رسیدگی‌های قضایی غیرجزایی یا بدون توسل به دادرسی‌های کیفری انجام داد. در تمام این موارد، تدابیر قانونی باید وجود داشته باشند تا اطمینان حاصل شود که درمان منصفانه و عادلانه است. در مواردی که اقدامات حمایتی خاص شامل محرومیت از آزادی باشد، کلیه حقوق کودکان محروم از آزادی هم باید اعمال شوند. ضروری است با استناد به پذیرش اسناد بین‌المللی مانند کنوانسیون حقوق کودک از سوی دولت ایران درصدد اصلاح قوانین مربوط به سن مسئولیت کیفری افراد باشد و آن را با قوانین بین‌المللی منطبق سازد.

ملاحظات اخلاقی: در این پژوهش تمامی ملاحظات اخلاقی رعایت گردیده است.

به نظر می‌رسد شرط اعلام‌شده از جانب ایران بسیار مبهم و کلی است و به همین دلیل تعدادی از کشورها مانند فنلاند، آلمان، ایرلند، نروژ، سوئد و ... بدان معترض شدند. «دولت آلمان در ۱۱ اوت ۱۹۹۵ اعلام نمود که شرط ایران باتوجه به مبهم‌بودن، مغایر با الزامات ناشی از حقوق بین‌الملل است و ایرلند در ۵ سپتامبر ۱۹۹۵ اعلام کرد که حق شرط ایران این مشکل را برای دولت‌های عضو به‌دنبال دارد که نمی‌داند ایران کدام یک از مواد را نمی‌خواهد اجرا کند» (حبیب‌زاده، ۱۳۸۳: ۱۴۰-۱۱۱).

همان‌طور که اشاره شد، حق شرط به مناسبت تسهیل ورود به معاهده است و نه از بین‌بردن تمامیت آن. شرط اعلام‌شده و مصوب دولت ایران از طرفی به تمامیت کنوانسیون لطمه وارد می‌کند و از طرف دیگر مغایر با هدف و موضوع آن است. موضوع و هدف، علت وجودی هر معاهده هستند. موضوع معاهده در حقوق بین‌الملل قواعدی است که طرفین با معاهده وضع کرده‌اند و حقوق و تکالیفی که از این قواعد ناشی می‌شوند، حال آن که هدف معاهده چیزی است که طرفین مایل به رسیدن به آن هستند (فلسفی، ۱۳۷۹: ۴۶۴). به عقیده یکی از حقوق‌دانان، قید کلی عدم مغایرت با موازین اسلامی و قوانین داخلی بدان معنی است که در عین تصویب کنوانسیون، دولت ایران فقط به اجرای قوانین داخلی خود و مقررات کنوانسیون که با آن قانون مغایرت ندارد، متعهد است و هیچ‌گونه تعهدی ندارد که قوانین خود را براساس کنوانسیون اصلاح یا براساس آن در آینده وضع قانون کند (مهریور، ۱۳۷۷: ۴۱۶). این معضل در مورد تعیین سن مسئولیت کیفری کودک در ایران همچنان پابرجاست و ابهامات زیادی در این حوزه وجود دارد.

نتیجه‌گیری

هریک از کشورهای عضو معاهدات عام و خاص بین‌المللی، باید نسبت به تعیین و اجرای حداقل سن مسئولیت کیفری که در تمامی قلمروی سرزمینی آن کشور قابل اجرا باشد، اقدام نماید و حداقل این سن باید ۱۲ سال باشد. کشورهای متعاقد باید نسبت به افزایش حداقل سن مسئولیت کیفری خود اقدام نمایند و نباید سن از قبل تعیین‌شده را کاهش دهند. سن مسئولیت کیفری ثانویه و سنین چندگانه مسئولیت کیفری با

- فلسفی، هدایت‌الله (۱۳۷۹). *حقوق بین‌الملل معاهدات*. چاپ اول، تهران، انتشارات فرهنگ نشر نو.

- کلانتری، کیومرث؛ غفاری چراتی، صالح و رادمان، امین (۱۳۹۸). «بررسی فقهی - حقوقی سن مسئولیت کیفری اطفال با تأملی در اسناد بین‌المللی». *مجله پژوهش نامه فقه اجتماعی*، ۲(۷): ۱۶۱-۱۸۲.

- مهرپور، حسین (۱۳۷۷). *نظام بین‌المللی حقوق بشر*. چاپ اول، تهران: نشر اطلاعات.

- هاشمی، سیدحسین (۱۳۹۴). «بررسی فقهی - حقوقی رویکرد قانون مجازات اسلامی جدید به سن رشد و مسئولیت کیفری کودکان در پرتو اسناد بین‌المللی». *مجله حقوق تطبیقی*، ۲۴(۱۰۳): ۵۱-۷۴.

ب. منابع انگلیسی

- Don, C (2023). *The Minimum Age of What? (Criminal Responsibility- Juvenile Just ice- and Children's Rights)*. 4th ed., Florence: UNICEF Innocent Research Centre.

- Haji, M & Noor, N.A (1981). *due process of law for persons accused of Crime in Henkin- Louis*. 2nd ed., New York: Columbia University Press.

- Happold, M (2005). *Child Soldiers in International Law*. 2nd ed., Manchester: Manchester University Press.

- Sharon, D (2020). *The United Nations Convention on the Rights of the Child (A Guide to the Travaux Préparatoires Dordrecht- Martinus Nijhoff)*. 3rd ed., Boston- London: Cambridge University Press.

تعارض منافع: نگارش این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافع بوده است.

سهم نویسندگان: در این پژوهش، نویسنده به‌عنوان نویسنده اصلی و مسؤول است.

تشکر و قدردانی: ابراز نشده است.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین مالی انجام گرفته است.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی

- پورقاسم چورکوجان، علی و بشیریه، تهمورث (۱۴۰۰). «مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در حقوق ایران و اسناد بین‌المللی». *مجله پژوهش حقوق عمومی*، ۲۳(۷۱): ۶۴-۹۳.

- حبیب‌زاده، توکل (۱۳۸۳). «جمهوری اسلامی ایران و حق شرط برمعاهدات بین‌المللی»، *نشریه پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع)*، ۲۴(۱): ۱۱۱-۱۴۰.

- رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۸۴). *بزه‌دیده‌شناسی*. جلد اول، چاپ اول، تهران: انتشارات شهر دانش.

- زینالی، امیرحمزه (۱۳۸۸). «جهانی‌شدن اصل حمایت ویژه از کودکان». *نشریه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، ۹(۳۵): ۵۱-۸۸.

- سفیدی، سپیده؛ جوهری، مهدی و دهقان، سعید (۱۳۹۶). «تساوی سن بلوغ کیفری میان دختر و پسر و چالش‌های مسئولیت کیفری اطفال (با نگرشی برقانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و اسناد بین‌المللی)». *مجله علوم اجتماعی (دانشگاه آزاد شوشتر)*، ۱۱(۳۹): ۱۹-۲۹.

- ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۷). *حقوق بین‌الملل عمومی*. چاپ سی و یکم، تهران: انتشارات کتابخانه گنج دانش.

- عباسی سرمدی، مهدی و زنگی اهرمی، عهدیه (۱۳۹۴). «بررسی سن کودک و آثار حقوقی آن از منظر اسناد بین‌المللی». *مجله فقه و حقوق خانواده*، ۲۰(۶۳): ۲۳-۴۲.